



عکاس: مسعود خامسی، روز آهنگسازی

حقوق شهرنشینی

شهر باید جامعه شهری داشته

سید محمد بهشتی از معماری شهر تهران و هویت فرهنگی آن می‌گوید

[**سمیرا وکیلی**]

سید محمد بهشتی – رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی – به رغم اینکه سال‌ها در بنیاد فارابی مدیر بوده و به‌عنوان مدیر سینمایی شناخته می‌شود، بیشتر از همه، یک مدیر فرهنگی است. تحصیلات دانشگاهی وی در رشته معماری بوده و دارای نگاه فرهنگی به معماری و شهر است؛ تخصصی که کمتر به آن شناخته می‌شود. برای صحبت کردن درباره حق بر منظر و هویت تاریخی–فرهنگی شهر تهران به سراغ اورفتیم و در گفت‌وگویی، نظر وی را در خصوص معماری شهر تهران جویا شدیم.

همه مشهود بود، نه داشتن ریشه و شهادت تاریخی – فرهنگی که کهنگی بود، می‌خواهم بگویم چطور احوال بد شهر مانع دیدن کالبد شهر می‌شود. وقتی احوال اهل شهر رو به بهبود می‌رود لایه‌لای اشغال‌هایی که در شهر وجود دارد نشانه‌ها و ارزش‌ها یک‌به‌یک دیده می‌شود؛ نمونه‌اش همین خیابان سی‌تیر. این خیابان تازه احداث نشده بلکه بیش از یک قرن است وجود دارد ولی درست در آن مقطع که بحران مدنیت در شهر غالب بود، ارزش‌های این خیابان نادیده گرفته شد و فقط به عنوان یک شریان ارتباطی از آن استفاده می‌شد؛ اکنون که حال شهر رو به بهبود است، می‌بینیم که به سراغش می‌آیند، کفاش را سنگفرش می‌کنند، پر از رنگ و نور و زندگی می‌شود و همه تعجب می‌کنند که شهر ما خیلانی دارد که محل گفت‌وگوی ادیان است.

چطور می‌توان با استفاده از رنگ در معماری ساختمان، منظر شهر را چشم‌نواز کرد تا حس آرامش را به شهروندان منتقل کند؟

وقتی حال ما خوب نیست شهر را نمی‌بینیم اما وقتی حالمان خوب است متوجه شهر می‌شویم و از آن توقعاتی پیدا می‌کنیم. شمارد حال حاضر نغمای رنگ دارید و این نشان می‌دهد که حالتان خوب است و گر نه وقتی حالتان خوب نباشد توقعات‌تان از جنس دیگری است؛ می‌خواهید ترافیک، روان باشد؛ توقع دارید خانه‌ای داشته باشید که سر پناهتان باشد و به نیازهای اولیه‌تان پاسخ داده شود؛

دیگر کیفیت مدنظر شما نیست.

وقتی سراغ منظر و زیبایی شهر می‌رویم که به نیازهای اولیه‌مان پاسخ داده شده باشد؟

خیر. وقتی به سراغ زیبایی شهر می‌رویم، که حالمان رو به بهبود باشد، ممکن است یک زمان حال ما خراب باشد ولی وقتی به دلیل این امر، جذابیت مفهوم حق و بار اخلاقی و بُرندگی آن در کشمکش‌های حقوقی و اجتماعی است. همین که امری با نام حق شناخته شود نقض آن توسط دیگران اخلاقاً ناهموجہ قلمداد می‌شود؛ با این حال، گفتنی است که به توسعه مفهوم حق تمایل دارد با این ایراد هم مواجه شده است که همه مصالح و منافع را حق قلمداد کردن به پدیده «تورم حق» می‌انجامد. وقتی همه‌چیز حق باشد، حق «حق» چنانکه باید ادا نمی‌شود؛ همان‌گونه که سعدی – استاد سخن پارسی – گفته است: «اگر شب‌ها همه قدر بودی، شب قدر، بی‌قدر بودی». افزون بر این، اگر بتوانیم حق‌های به‌ظاهر نوپیدا را در زیرمجموعه حق‌های بنیادین و شناخته‌شده قرار دهیم و بررسی کنیم، دلیلی ندارد که پیوسته سیاهه حق‌ها را طولانی‌تر کنیم.

۲- جذا از این منازعه، از جمله حق‌های نوپیدا «حق بر منظر» است. مقصود از منظر یا چشم‌انداز، ناحیه‌ای است که از نظر مردم، ویژگی آن، محصول عمل و تعامل عوامل طبیعی یا انسانی باشد.

منظر که امروزه بر اهمیت و لزوم پاسداشت آن تاکید می‌شود تنها چشم‌اندازهای عالی و برجسته نیست؛ چشم‌اندازهای معمولی و عادی هم در هر حال منظرند و باید از آنها محافظت کرد. چشم‌انداز ممکن است در مناطق طبیعی، روستایی، شهری یا مناطق پیشاشهری در دریا یا خشکی یا جزیره باشد. منظر پدیده‌ای همه‌جایی است و می‌تواند بالقوه یا بالفعل باشد. اگر بنا باشد به چشم‌انداز اهمیت بدهیم باید به چشم‌اندازهای در حال شکل‌گیری هم که گاه با احداث مناطق روستایی یا شهری نوپیدا مطرح می‌شود اهمیت بدهیم.

۳- وجود منظرها به زندگی و حیات انسان، کیفیت می‌بخشد. می‌دانیم که امروزه فراتر از حق حیات، از حق بر کیفیت حیات هم در حال منظرند و باید از آنها محافظت کرد. چشم‌انداز ممکن است در مناطق طبیعی، روستایی، شهری یا مناطق پیشاشهری در دریا یا خشکی یا جزیره باشد. منظر پدیده‌ای همه‌جایی است و می‌تواند بالقوه یا بالفعل باشد. اگر بنا باشد به چشم‌انداز اهمیت بدهیم باید به چشم‌اندازهای در حال شکل‌گیری هم که گاه با احداث مناطق روستایی یا شهری نوپیدا مطرح می‌شود اهمیت بدهیم.

۴- از نگاهی دیگر چشم‌اندازها میراث مشترک بشری‌اند. اگر بخواهیم با ادبیات حق سخن بگوییم آنها به نوعی به عموم تعلق دارند و ملک مُشاع همه مردمند. در حقوق حقوق بشر، منظر، یک کالای عمومی ضروری (vital public good) و یک حق جمعی از نوع حق‌های نسل سوم است که بی‌گمان گونه‌هایی از تصرف در آنها مصداق تصرف در حقوق دیگران است. از این نظر، دولت‌ها، فعالان بخش خصوصی و دولتی و حتی یکایک مردم، موظفند در نگهداری منظرها بکوشند. به‌ویژه در برنامه‌های توسعه روستایی و شهری باید به حفظ چشم‌اندازها و تعلق آنها به عموم، پایبند بود. دولت‌هایی که دلمشغول کیفیت زندگی مردمند به حفظ چشم‌اندازها اهمیت می‌دهند. آنها نه‌تنها در برنامه‌ریزی‌های شهری و روستایی در حفظ و حمایت از

چشم‌اندازها می‌کوشند که مردم را نیز نسبت به اهمیت چشم‌اندازها آگاه می‌کنند؛ همچنان که کنوانسیون اروپایی چشم‌انداز، دولت‌های عضو را به پیش‌بینی درسی در مقاطع تحصیلی دبیرستان و دانشگاه برای افزایش آگاهی و حساسیت به چشم‌انداز موظف کرده است.

۵- ساخت‌وسازهای ناموزن و نامناسب در شهر، به حق بر شهر و هم به حق بر چشم‌انداز، زیان می‌رساند. می‌دانیم که از دهه ۱۹۷۰ مفهومی حق بر شهر توسط برخی اندیشمندان مطرح شده و گفت‌وگوهای آن پیوسته در حال فرایه‌ترشدن است. ایده حق بر شهر می‌تواند الهام‌بخش مفاهیمی مانند دسترسی برابر برای همه شهروندان به خدمات شهری، مشارکت عمومی و مردم‌سالارانه در اداره شهر، حق غریبه‌ها و مهاجران بر شهر، تعلق فضاهای عمومی به همگان و اداره دمکراتیک این فضاها باشد. البته می‌توان حق بر شهر را هم بر پایه منازعه‌ای که در بند یکم به آن اشاره شد به عنوان زیرمجموعه حق‌های بنیادینی مانند برابری، مشارکت و... در نظر گرفت. در هر حال زندگی در شهر باید باکیفیت باشد. نمی‌توان با ساخت‌وسازهای ناموجه، چشم‌اندازهای طبیعی را از عموم گرفت. فضای عمومی شهر باید در مجموع، چشم‌نواز و گیرا باشد. در واقع اهالی شهر متراشد به تصرفاتی رضایت‌ضمنی دارند که متعارف، مقبول و چشم‌نواز باشد و منظر عمومی شهر را از آنان نگیرد یا منظرها را زشت نسازد. گونه‌هایی از رفتار در شهر به خودی خود به حق مردم به منظر، زیان می‌رساند.

برای مثال گونه‌هایی از دوره‌گردی می‌تواند به منظر شهر آسیب بزند. ۶- فضاهای عمومی شهری جایگاه فعالیت‌های اجتماعی هم هست. به دلیل ارتباط دو مقوله حوزه عمومی و فضای عمومی، فضاهای عمومی هم به لحاظ وسعت و اندازه و هم به لحاظ چشم‌نوازی نباید به گونه‌ای باشند که مردم به حضور در آنها بی‌رغبت شوند. مارشال برمن در مقدمه‌ای با عنوان مدرنیسم در خیابان‌ها بر کتابش «تجربه مدرنیته» یادآور شده است که وجود فضاهای عمومی فیزیکی برای حوزه عمومی و مردم‌سالاری، ضروری است. او با اشاره به بازدید خود

حق بر منظر، حق بر کیفیت زندگی است

[**رحیم نوبهار**]

عضو هیأت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

۱- رویکردی در دوران مائمالی دارد بر قاست بسیاری از «مصلحت»‌ها و «منفعت»‌ها لباس زیبای «حق» بپوشاند. دلیل این امر، جذابیت مفهوم حق و بار اخلاقی و بُرندگی آن در کشمکش‌های حقوقی و اجتماعی است. همین که امری

با نام حق شناخته شود نقض آن توسط دیگران اخلاقاً ناهموجہ قلمداد می‌شود؛ با این حال، گفتنی است که به توسعه مفهوم حق تمایل دارد با این ایراد هم مواجه شده است که همه مصالح و منافع را حق قلمداد کردن به پدیده «تورم حق» می‌انجامد. وقتی همه‌چیز حق باشد، حق «حق» چنانکه باید ادا نمی‌شود؛ همان‌گونه که سعدی – استاد سخن پارسی – گفته است: «اگر شب‌ها همه قدر بودی، شب قدر، بی‌قدر بودی». افزون بر این، اگر بتوانیم حق‌های به‌ظاهر نوپیدا را در زیرمجموعه حق‌های بنیادین و شناخته‌شده قرار دهیم و بررسی کنیم، دلیلی ندارد که پیوسته سیاهه حق‌ها را طولانی‌تر کنیم.

۲- جذا از این منازعه، از جمله حق‌های نوپیدا «حق بر منظر» است. مقصود از منظر یا چشم‌انداز، ناحیه‌ای است که از نظر مردم، ویژگی آن، محصول عمل و تعامل عوامل طبیعی یا انسانی باشد. منظر که امروزه بر اهمیت و لزوم پاسداشت آن تاکید می‌شود تنها چشم‌اندازهای عالی و برجسته نیست؛ چشم‌اندازهای معمولی و عادی هم در هر حال منظرند و باید از آنها محافظت کرد. چشم‌انداز ممکن است در مناطق طبیعی، روستایی، شهری یا مناطق پیشاشهری در دریا یا خشکی یا جزیره باشد. منظر پدیده‌ای همه‌جایی است و می‌تواند بالقوه یا بالفعل باشد. اگر بنا باشد به چشم‌انداز اهمیت بدهیم باید به چشم‌اندازهای در حال شکل‌گیری هم که گاه با احداث مناطق روستایی یا شهری نوپیدا مطرح می‌شود اهمیت بدهیم.

۳- وجود منظرها به زندگی و حیات انسان، کیفیت می‌بخشد. می‌دانیم که امروزه فراتر از حق حیات، از حق بر کیفیت حیات هم در حال منظرند و باید از آنها محافظت کرد. چشم‌انداز ممکن است در مناطق طبیعی، روستایی، شهری یا مناطق پیشاشهری در دریا یا خشکی یا جزیره باشد. منظر پدیده‌ای همه‌جایی است و می‌تواند بالقوه یا بالفعل باشد. اگر بنا باشد به چشم‌انداز اهمیت بدهیم باید به چشم‌اندازهای در حال شکل‌گیری هم که گاه با احداث مناطق روستایی یا شهری نوپیدا مطرح می‌شود اهمیت بدهیم.

۴- از نگاهی دیگر چشم‌اندازها میراث مشترک بشری‌اند. اگر بخواهیم با ادبیات حق سخن بگوییم آنها به نوعی به عموم تعلق دارند و ملک مُشاع همه مردمند. در حقوق حقوق بشر، منظر، یک کالای عمومی ضروری (vital public good) و یک حق جمعی از نوع حق‌های نسل سوم است که بی‌گمان گونه‌هایی از تصرف در آنها مصداق تصرف در حقوق دیگران است. از این نظر، دولت‌ها، فعالان بخش خصوصی و دولتی و حتی یکایک مردم، موظفند در نگهداری منظرها بکوشند. به‌ویژه در برنامه‌های توسعه روستایی و شهری باید به حفظ چشم‌اندازها و تعلق آنها به عموم، پایبند بود. دولت‌هایی که دلمشغول کیفیت زندگی مردمند به حفظ چشم‌اندازها اهمیت می‌دهند. آنها نه‌تنها در برنامه‌ریزی‌های شهری و روستایی در حفظ و حمایت از

نگاه روز

حق بر منظر و شهر زیبا

[**دکتر غلام‌رضا کامیار**]

حقوق‌دان و وکیل دادگستری

شهرسازی، هنر، علم و تکنیک شکل‌دهی به فضای شهری است و به این ترتیب، شهرسازان در شمار هنرمندان قرار می‌گیرند که تابلوهایی به بزرگی یک شهر خلق می‌کنند. شهرسازی ایران در حال گذر از یک گذشته آرام و معنادار به یک آینده بی‌معنا و پرشتاب است. منطق حاکم بر شکل‌گیری شهرها در گذشته و حال، مبتنی بر اصالت و تقلید است. سایه سنگین افکار مادی گرانیزه، ثروت‌اندوزی و سوداگری، بر شهرها – به‌خصوص تهران – سنگینی می‌کند؛ با وجود این، باید کوشش کرد تا نظریه شهر عدالت‌محور، امن و چشم‌نواز محقق شود. همه شهروندان حق دارند که در یک شهر زیبا زندگی کنند.

زیبایی شهری چیست و چه کسی باید آن را ایجاد کند؟ زیبایی را می‌توان در مفاهیم برابری، عدالت، نوع‌دوستی، حق همجواری، احساس آزادی، احترام به محیط‌زیست و میراث فرهنگی جست‌وجو کرد. شهرها بیش از ۲دهه است که در معرض افات تراکم‌فروشی و تغییر گسترده کاربری اراضی قرار دارند و شهرداران برای اداره آنها به جرعه‌های تخلفات ساختمانی اتکا می‌کنند. ناهمسازی ساختمان‌ها، تجاوز آشکار به حقوق ارتقایی و ایجاد برج‌های بلند در معابر باریک، حکایت از نابرابری دارد. تغییر گسترده کاربری اراضی و ازبین‌رفتن باغ‌ها و اراضی کشاورزی، نوع دیگری از عدم تناسب با رقم می‌زند و به‌تدریج فاصله انسان و طبیعت را زیاد می‌کند. تحقق نظریه شهر وحشی را می‌توان در گسترش بی‌رویه عمودی و افقی شهر تهران و شهرهای پیرامون آن مشاهده کرد. شهرهایی که به حریم رودخانه‌ها، تجاوز و منابع تغذیه را نابود می‌کنند و آثار تاریخی را از میان برمی‌دارند، در شمار شهرهای زیبا قرار نمی‌گیرند. شهرداران امروز، وارثان چنین شهرهایی هستند و برای زیبا کردن آنها راهی دشوار در پیش دارند.

باید تراکم‌فروشی را متوقف کرد. هنگامی که دروازه‌های شهر به سوی قانونمداری گشوده و نهضت شهروندسازی آغاز می‌شود سیمای شهر، دگرگون و آثار نشاط و زیبایی، آشکار خواهد شد.

پیوند شهرسازی و میراث فرهنگی که از آن‌ظریه «تغییرگرایی» و «حفاظت‌گرایی» پیروی می‌کنند ناممکن نیست. آثار باستانی، نگین‌های درخشان هستند که بر انگشتر شهر می‌درخشند و بخشی از زیبایی آن را به بینندگان و جهانگردان شهری عرضه می‌کنند. لذت‌یازدید از آثار تاریخی شهرهای اصفهان، شیراز، کرمان، کاشان و... کمتر از لذت تنفس و تماشا در جنگل‌های زیبای گیلان نیست. هم‌زیستی شهر و طبیعت، امکان‌پذیر است. شهر، گلهستانی از گل خواهد شد چنانچه هر شهروندی، گلدانی پشت پنجره بگذارد و درختی روی بام بکارد. این شهر حکایت از حال خوب مردمان آنجا دارد و گویای توجه آنان به زیبایی طبیعی است. شهر، یک خانه بزرگ و خانه، یک شهر کوچک است. صاحبان خانه کوچک‌تر، خانه بزرگ‌تر را می‌سازند. حق بر خورداری از شهر زیبا نه‌تنها شهرداران که شهروندان را نیز مکلف می‌کند که برای رسیدن به آن کوشش کنند. زیبایی از مقوله عشق و علاقه است. با الزامات قانونی، صرفاً می‌توان یک زیبایی سطحی ایجاد کرد. شهردارها به بزرگ‌ترین کنشگران رسمی توسعه زیبایی در شهرها هستند. آنها به شهر رنگ می‌زنند و در خلق زشتی یا زیبایی آن اثر گذارند. احداث بوستان‌های عمومی، حفظ فضاهای سبز موجود و ایجاد مبلمان شهری نمونه‌ای از اقدامات جاری شهرداری‌هاست که به منظر و زیبایی مربوط می‌شود. افزون بر آن شورای عالی شهرسازی و معماری نیز با تصویب مقررات لازم در این زمینه به‌ویژه درباره نمایی ساختمان‌ها می‌تواند یاریگر شهرداران باشد.

نویسندگان قانون شهرداری نسبت به موضوع پاکیزگی و زیبایی شهر، بی‌تفاوت نبوده‌اند و مقررات گوناگونی در این رابطه تهیه و تصویب کرده‌اند. ماده ۱۱۰ قانون شهرداری به‌عنوان نمونه، انتخاب و بیان می‌شود:

«نسبت به زمین یا بناهای مخروبه و غیر مناسب با وضع محل و یا نیمه‌تمام واقع در محدوده شهر که در خیابان یا کوچه و یا میدان قرار گرفته و منافعی با پاکیزگی و زیبایی شهر و یا موازین شهرسازی باشد، شهرداری با تصویب انجمن شهر می‌تواند به مالک اخطار کند؛ منتهی ظرف ۲ماه به ایجاد نرده یا دیوار یا مرمت آن که منطبق با نقشه مصوب انجمن شهر باشد اقدام کند. اگر مالک، مسامحه یا امتناع کرد شهرداری می‌تواند به‌منظور تأمین نظر و اجرای طرح مصوب انجمن در زمینه زیبایی و پاکیزگی و شهرسازی هر گونه اقدامی را که لازم بداند معمول و هزینه آن را به اضافه صدی ده از مالک یا متولی و یا متصدی، موقوفه نماید. در این مورد صورتحساب شهرداری، بدو یا مالک ابلاغ می‌شود؛ در صورتی که مالک ظرف ۱۵روز از تاریخ ابلاغ به‌صورتحساب اعتراض نکند، قطعی تلقی می‌شود و هر گاه مالک ظرف مهلت مقرر اعتراض کرد موضوع به کمیسیون مذکور در ماده ۱۷۷از جاع خواهد شد. صورتحساب‌هایی که مورد اعتراض واقع نشده و همچنین آرای کمیسیون رفع اختلاف مذکور در ماده ۱۷۷، در حکم سند قطعی و لازم‌الاجرا بوده و اجرای ثبت مکلف است مقررات اجرای اسناد رسمی لازم‌الاجرا، نسبت به وصول طلب شهرداری اجرائیه صادر کنند و مورد اجرا بگذارد.»